

۸ مارس روز آزادیخواهی، روز برابری طلبی  
علیه آپارتاید جنسی، علیه مجاب



مرب کمونیست کارگری-مکمتیست  
www.hekmatist.com

## ۸ مارس روز اعتراض عمومی به آپارتاید جنسی!

مظفر محمدی

صفحه ۳

جمعه ها منتشر میشود

۱۳۱

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of  
Iran

۱۳ بهمن ۱۳۸۵ - ۲ فوریه ۲۰۰۷

سر دبیر: آذر مدرسی

www.hekmatist.com

## گارد آزادی بازوی مسلح حزب حکمتیست برای دفاع از آزادی و مدنیت جامعه

مصاحبه با رضا دانش از فرماندگان گارد آزادی  
در شهر مهاباد



اعتماد به نفس آنها، در  
اعتمادشان به گارد آزادی و  
ممکن بودن متشکل و مسلح شدن  
و نفاع از زندگی و امنیت و  
زندگی شان چگونه بود؟

**رضا دانش:** مردم اینک دریافته  
اند گارد آزادی بازوی مسلح  
حزب حکمتیست در تمامی  
کردستان برای دفاع از کارگران  
وزحمتکشانشان، نفاع از آزادی  
ومدنیت جامعه در مقابل استبداد  
حاکم، نیروهای ارتجاعی  
قومپرستان و اسلام سیاسی  
است، نیرویی است برای تقویت  
مبارزات مردم در جهت  
سرنوشتی جمهوری اسلامی  
وبرپا ساختن جمهوری  
سوسیالیستی، بیشتر مردم دریافته  
اند برای تضمین آینده بی مطمئن  
وجلوگیری از عراقیزه شدن  
ایران، جلوگیری از جنگ  
و کشتارهای قومی راهی

طلب به گارد آزادی شده به گونه  
ای که هر بار پس از حضور این  
واحدها تا منتها نقل محافل  
ومجالس مردم بوده است در  
مقابل ناسیونالیستها و قومپرستان  
همواره سعی و تلاششان بر این  
بوده است تا ابراز وجود گارد  
آزادی در مهاباد را ناچیز و کم  
اهمیت جلوه دهند و رژیم همواره  
ساعتی پس از عملیات گارد با  
افزایش گشتیها و ایجاد پستهای  
بازرسی در ورودیهای شهر  
سعی در مقابله با این حرکت  
داشته است. شاید هنوز برای  
خیلی ها نحوه سازماندهی  
واحدهای گارد آزادی گنگ و  
نامأنوس باشد و باورشان نشود  
که این واحدها در محل زندگی  
مردم و در داخل شهرها  
استقرار دارند و نیرویی نیست  
که از خارج شهر وارد شود.

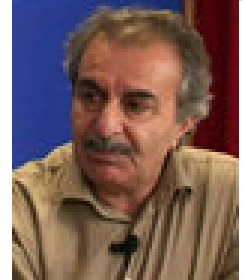
**کمونیست:** تاثیرات بعدی  
حضور شما در میان مردم، در

**کمونیست:** واحد های شما تا  
بحال چند بار در شهر مهاباد  
حضور پیدا کرده اند. استقبال  
مردم، عکس العمل مرتجعین و  
همینطور رژیم در مقابل این  
حضور چگونه بوده است؟

**رضا دانش:** حضور ما تابع  
شرایط و زمان خاصی نیست  
بلکه هر وقت اراده کنیم میتوانیم  
با قدرت در هر نقطه  
از شهر حضور یافته و ماموریتهای  
محوه را بنحو احسن انجام دهیم  
اما دفعات اعلام شده حضور ما  
به این ترتیب است:

واحدهای مسلح ما در سال ۵۸  
در روزهای ۱۵ خرداد، ۲۲  
خرداد، ۳ بهمن و ۸ بهمن در  
محلتهی از شهر مهاباد  
حضور یافته اند و از نزدیک با  
مردم وجوانان پرشور شهیددار  
و گفتگو کرده اند محلتهی که  
سالها ست شاهد هیچ نوع تحرکی  
از جانب هیچ گروه و سازمانی  
نبوده است برای نمونه میتوان به  
حضور رفقای ما در ۲۲ خرداد  
ماه امسال در پارک استاد مجدی  
در مرکز شهر اشاره کرد، واحد  
های ما هر بار با استقبال بی  
نظیر مردم بخصوص جوانان  
مواجه شده اند، حضور زنان  
پیشرو و جسور در واحدهای ما  
موجب علاقمندی بیشتر زنان  
وانسانهای آزادیخواه و برابری

## ویژگی اوضاع کنونی؛ چه باید کرد؟



fateh\_sh@yahoo.com

فاتح شیخ

این جوابها توسط میدیا به هوای  
تنفس مردم شلیک میشود و  
افکار عمومی مردم، مدام با  
ویروس سردرگمی و هراس  
شبهانه روزی و انتظار و باز هم  
انتظار آلوده و بیمار میشود. همه  
اینها در خدمت کم و کور کردن  
حقیقت زیر انبوه جزئیات و  
تفسیرها و در خدمت منفعل نگاه  
داشتن نیروی فعاله مردم برای  
تغییر اوضاع است. در حالیکه  
مردم عادی عراق با گوشت و  
خون خود و با قربانی شدن  
عزیزانشان هر روز "جنگ  
داخلی" را تجربه میکنند هنوز  
جواب "ناظران سیاسی" و  
مفسران آکادمیک به این سوال  
که آیا در عراق "جنگ داخلی"  
هست؟ منفی و یا ناروشن است!  
در همین هفته در حومه نجف در  
جنگ فرقه های شیعه با  
همینگر، صدها نفر ظرف یک  
روز کشته شدند و مفسران باز  
میگویند هنوز "جنگ داخلی"  
نیست!

در مورد جنگ آمریکا علیه  
ایران هم همینطور است. افکار  
عمومی را به همین بیماری  
سردرگمی و انتظار مبتلا کرده  
اند. حقیقت اینست که جنگ هم  
اکنون در ابعاد معینی شروع شده  
بقیه در صفحه ۳

در حالیکه جنگ و کشتار در  
عراق گسترشی بیسابقه یافته  
است، شیخ جنگ در ابعادی به  
مراتب گسترده تر و هراسناک  
تر بر فراز خاورمیانه در رفت و  
آمد است. با حاد شدن تنش میان  
دولت بوش و جمهوری اسلامی  
در عراق، با کشیده شدن مجدد  
لبنان به آستانه جنگ داخلی، با  
اوج گرفتن درگیریهای حماس و  
فتح در فلسطین، سوال "چه  
خواهد شد؟" کل فضای سیاسی  
خاورمیانه را فرا گرفته است.  
هسته مرکزی این سوال، هراس  
از شعله ور شدن جنگ آمریکا  
علیه ایران به بهانه نزاع هسته  
ای با جمهوری اسلامی است.

همه می پرسند. همه منتظرند.  
همه وحشتزده اند. از طرف  
دیگر تحلیل گران و مفسران و  
"ناظران سیاسی" اوراق سیاه  
میکنند، جوانب مساله را سبک و  
سنگین میکنند، احتمالات  
مختلف: احتمال جنگ؟ احتمال  
بمباران؟ توسط آمریکا؟ توسط  
اسرائیل؟ و غیره و غیره را  
میسنجند و میسنجند، نفس بر  
میگویند و میگویند و سرانجام  
چرتکه میاندازند و جوابهای  
متناقض و متقاطع تحویل میدهند.

گارد آزادی، سرنوشتی جمهوری اسلامی

صفحه ۲

## تلویزیون پرتو

هر جمعه بین ساعت ۶ و نیم تا ۷ و نیم بعد از  
ظهر بوقت تهران از کانال یک (شبکه هات برد)  
پخش میشود، تکرار برنامه ظهر روز بعد.

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۷۳۹۹۸۶۸

parto.tv@gmail.com

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



koorosh.modarresi@gmail.com

## گارد آزادی، سرنگونی جمهوری اسلامی

و ...

### کوروش مدرسی

#### پاسخ به سوالات در جلسه گفت و شنود استکهلم (بخش ۱)

میگویم کسی که نتواند آزادی را به تضمین کننده آزادی و تضمین کننده آزادی را به ضرورت دولت تسری دهد فقط دارد دعای آزادی خواهانه میخواند. مسئله این است که در دوره ای که ما در آن زندگی میکنیم، در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و بعد از آن تا زمانی که مردم اسلحه بدست میگیرند، روشن میشوند، میخوانند و میتوانند در قالب شوراها از جامعه و آزادی دفاع کنند یک لشکر سلم و تور آدم کش مسلح در پوزیسیون و اپوزیسیون هست که میخوانند و میتوانند از مردم آزادی و امنیت را سلب کنند، انتخاب مردم را سرکوب کنند، به انقلاب خون به پاشند و

آنها سرکوب میکنند، با دارو دسته های مسلح و باند سپاهیش اجازه نمیده، با مینیا و ژورنالیزم نوکر و دستگاه مذهبی اش نمی گذارد اصلا صدای انسانیت به گوش کسی برسد. هنر بورژوازی این است که آزادی هر کس را عملاً به اندازه قطر کیف پول او تعیین میکند. هنر بورژوازی این است که با کمک بیکاری و فشار اقتصادی مردم کارگر و زحمتکش را به چماق بدست سرکوب هم طبقه ای هایشان تبدیل میکند. ما برای اینکه صدای مان، صدای سوسیالیسم، را به گوش طبقه کارگر برسایم **پدوا** باید این ابزارها از دست این مرتجعین در آوریم. باید هر وقت

توضیح: آنچه در اینجا میخوانید بخش هفتی از پاسخ کوروش مدرسی به سوالاتی است که در جلسه گفت و شنود رهبری حزب در دهم دسامبر ۲۰۰۵ (۱۹ آذر ۱۳۸۴) مطرح گردید. در این جلسه که به دعوت تشکیلات استکهلم حزب بود عبدالله دارابی، مهرنوش موسوی و کوروش مدرسی شرکت داشتند حاضرین در جلسه سوالات و نقطه نظرات خود را حول سیاست های حزب بیان داشتند. سرنگونی رژیم اسلامی و انقلاب آینده ایران، قدرت کمونیسم در کردستان و تشکیل گارد آزادی و اهداف آن بیشترین وقت مباحثات و سوالات را به خود اختصاص داد. با تشکر از مینو همیلی که در تنظیم این مطلب کمک کردند.

سوسیالیستی نباشد شما اصلاً هیچ کاری با آن ندارید؟ یا اینکه بعد از اینکه تشکیل شد یا دیگران آن را تشکیل دادند تازه در باره آن حرف میزنید؟ همیشه قرار است اپوزیسیون باشید؟ به دنبال اوضاع آن را توضیح میدهید؟ ما میخواستیم کنترل اوضاع را از دست ندهیم و بر متن شرایط امروز بهترین امکان برای قدرت گیری طبقه کارگر و کشتادن بخش اعظم انسان های آن جامعه با خود را فراهم کنیم.

دولت موقت را هم بر اساس این منشور آزادی های سیاسی محک میزنیم. دولت حاصل قیام و حاصل سرنگونی جمهوری اسلامی باید آزادی بی قید و شرط را تضمین میکند، باید مساجد و تکایا را مصادره کند، باید آخوندها را بفرستد کار شرافتمندانه ای در پیش گیرد، باید سران جمهوری اسلامی را دستگیر میکند، باید آزادی شرط تشکل، تسلیح توده ای را تضمین کند، باید بیمه بیکاری بدهد که کسی از ترس بیکاری و

**ما قدرتی را سازمان میدهیم که جلو هر کس که بخواهد آزادی مردم را سلب یا محدود کند را بگیرد. این قدرت یک دولت است و یک نیروی مسلح. دولتی حول منشور سرنگونی جمهوری اسلامی. با وجود چنین دولت و چنین نیروی مسلحی است که آزادی مردم تضمین است، به مردم آزادی انتخاب داده میشود.**

مردم را به تباهی بکشند. کسی هست که واقعیت به این سادگی را نفهمد؟ با حس نیت که نمیشود در مقابل اینها ایستاد.

اسلامی هاتا نندان مسلح هستند. آمریکا دارد آدم های اش را مسلح میکند، دارد به آنها پول و تلویزیون و غیره میدهد، با آنها واحد عملیاتی مشترک درست میکند، فدرالیسم را آن قدر باد زده اند که سلطنت طلب های "غیر فرمال" هم کیش مات شده اند. مردم این را میبینند و میفهمند. در چنین بلبشویی کسی که فقط شعار میدهد و راه عملی دفاع از امنیت، دفاع از آزادی و دفاع از امنیت مردم را نشان نمیدهد تنها سفیه نیست، یک کلاه بردار سیاسی، یک همکار سناریو سیاهی ها و یک مجرم است.

\*بحث من این است که اگر مردم بتوانند آزادانه و آگاهانه نظام آینده حکومتی خود را انتخاب کنند سوسیالیسم را انتخاب میکنند. به شرطی که بتوانند آزادانه و آگاهانه انتخاب کنند. و کل هنر بورژوازی این است که اجازه و امکان این انتخاب آزادانه و آگاهانه را نمیدهد. رسماً

گرسنگی مجبور به فروش وجدان خود و یا چماق دار شدن نشود. باید ارتجاع را از منابع قدرت خود محروم کرد. این هم زور و هم اشتها برای بکل بردن این زور را میخواهد. نیروی که بتواند هر کس که بخواهد جلو مردم را بگیرد، خواه حزب دموکرات، خواه زحمتکشان، خواه سلطنت طلب، خواه مجاهد یا اسلامی های رژیم را در جای خود بنشانند.

دولت موقت پیش از هر چیز یعنی قدرت سرکوب متجاوزین به آزادی، یعنی قدرت سرکوب متجاوزین به بند های منشور سرنگونی. در دنیای ما با پدیده جدیدی روبرو هستیم. کسی که به خودش بمب میندند و خود را جلسه در شورا یا در صف نان و اتوبوس منفجر میکند را با تظاهرات و اعتصاب نمیشود پشیمان کرد. امروز در بغداد نمیشود اعتراض توده ای را سازمان داد. میدانید چرا؟ برای اینکه بیست نفر که جمع شوند هفتاد تا گروه دیگر به آنها خمپاره و آر پی جی میزنند. مگر میشود در بغداد شورا درست کرد؟ مگر در کرکوک

توانستیم قدرت را بگیریم و آن را نگاه داریم تا بتوانیم به مردم امکان انتخاب بدهیم. وگرنه اصولاً نمی گذارد صدای من و شما به گوش کسی برسد. شرط دادن امکان انتخاب آزاد و آگاه به مردم این است که **پدوا** قدرت را از دست اینها در آورد. این ایده که به تدریج آگاهی بخش کنیم تا مردم رشد کنند و بعد اکثریت میسوم و قیام میکنیم عملی نیست. به عمر من و شما قد نمیدهد. به عمر نسل بعدی هم قد نمیدهد.

\*میترسید دولت موقت چیست؟ میگویم این دولت قیام کنندگانی است که متأسفانه در **انقلاب جاری** هنوز زیر پرچم سوسیالیسم نیستند. هرکس قیام کرد لابد دولتی تشکیل میدهد. سوال این است این دولت چه دولتی است؟ یا چه دولتی باید باشد؟ واقعیت این است که به عکس انقلاب ۵۷، این بار تکلیف قدرت سیاسی **بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی** تعیین میشود. سوال این است که آیا شما نقشه ای برای این دوران تعیین تکلیف دارید؟ اگر این دولت و یا این انقلاب

میشود شورا درست کرد؟ در افغانستان میشود شورا درست کرد؟ آدم سر میبرند.

کسی باید باشد که نتنها بگوید نکند، بتواند تضمین کند که نمی گذارد این کارها را بکنند. ما در مقابل این انتخاب قرار گرفته ایم. مبنای بحث گارد آزادی و مبنای بحث دولت موقت هم همین است.

\*من سوسیالیسم میخواهم، همین امروز هم آن را میخواهم. الان هم به مردم میگویم **دولت موقت اصلاً نظام حکومتی نیست.** یک

دولت موقت است که کارش این است که محلل قدرت است. کارش این است که ظرف شش ماه تکلیف نظام حکومتی را روشن کند و آزادی، امنیت و حق انتخاب آزاد و آگاه مردم را تضمین کند. باید به مردم فرصت و امکان انتخاب آزادانه و آگاه را داد. مطمئن هستم که اگر مردم انتخاب آزادانه و آگاهانه داشته باشند سوسیالیسم را انتخاب میکنند. اگر نتکنند گیر از ماست. کسی که بخواهد سوسیالیسم را جز از طریق انتخاب آگاه و آزاد مردم اعمال کند به نتایج تماماً ارتجاعی میرسد. اما کلید قضیه این است که باید این امکان انتخاب آزاد و آگاه را ضمانت کرد. ضمانت هم در قاموس سیاست یعنی قدرت، یعنی قدرت سرکوب کسی کی میخواهد این ضمانت را نقض کند.

## به گارد آزادی

### پیوندید!

گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، نیروی دفاع از آزادی انسانها، نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند.

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**



## ۸ مارس روز اعتراض عمومی به آپارتاید جنسی است!

mozafar\_mohammadi@yahoo.com مظهر محمدی

یک کاسه کند. یک ندای اجتماعی، یک حرکت عظیم و عمیق انسانی و فریادهای در گلو خفته در خیابان و منزل و محلات و مدارس و دانشگاهها ما را فرامیخواند.

آیا میشود جویهای کوچک در این روز بهم ببیوندند و رودخانه ای پرشور ایجاد کنند؟

آیا میتوان در این روز هزاران و دهها هزار زن و مرد و جوان را به خیابانها سرازیر کرد و یا در زیر سقف سالنهای بزرگ شهرها و دانشگاهها و مدارس و محلات و حتی سلف سرویس کلرخانه ها جمع کرد؟

باید از همین حالا و هفته ها قبل از ۸ مارس به همه کسانی که از درد تبعیض و آپارتاید جنسی میبندند، از آن متفردند و با هیچ بند نفی با عامل این آپارتاید، جمهوری اسلامی، وصل نیستند، رجوع کرد. باید به همه گفت،

دوستان بیابید این روزی است که باید تحریک خرد و ریز را یک کاسه کرد. برای تحقق این کار میتوان و باید یک تیم بزرگ تشکیل داد. کافی است زن بود تا فهمید که نابرابری و تبعیض چه درد جانکاهی است. معضل

آپارتاید جنسی فراتر از وابستگی به این و آن تیره و قبیله و قشر و طبقه و گرایش اجتماعی است. فهمیدن این مساله برای کسی که پایش روی زمین است کار پیچیده ای نیست.

زن بودن در جامعه اسلام زده ایران یعنی درد و زجر و تحقیر سیستماتیک را متحمل شدن حال بگیریم زن کارگر باشد یا بورژوا و دارای این و آن گرایش و ملیت و مذهب و یا از اهالی جنوب و یا شمال و شرق کشور. و پاسخ این شرایط دردناک جنبشی اجتماعی است بوسعت جامعه ایران و با شرکت همه کسانی که علیه این پدیده زشت هستند.

از نظر جریانات فرقه ای این توهم و یا راست روی است. گویا هنر سوسیالیست و یا چپ بودن مرزبندی با این و آن گرایش و منزه نگه داشتن خود در حاشیه تحولات اجتماعی پر کشمکش است. در حالیکه هنر در متحد و متشکل کردن هر چه وسیعتر توده های مردم و در

بزرگداشت ۸ مارس جز اعتراض به نابرابری زن و مرد معنای دیگری ندارد. برای بیش از ۴۰ میلیون زن و دختر ایرانی و در دیگر کشورهای اسلام زده این اعتراض معنای ویژه ای دارد و پاسخ به آن نیز روشها و سیاستهای ویژه ای در بردارد. مارس روزی است که به بهانه آن میتوان کارهایی کرد که هر روز نمیشود و نمیتوان انجام داد.

مساله این نیست که در این روز جمهوری اسلامی سرنگون میشود، یا میتوان قانون اساسی اسلامی را تغییر داد و یا حجاب را لغو کرد. در این روز نمیتوان انقلاب کرد. اما این روزی است که از هفته های قبل میلیونها زن در سراسر جهان به استقبال میروند. بخشی از زنان کشورهای پیشرفته که در آن حقوق برابر زن و مرد به رسمیت شناخته شده، جمع میشوند و کمبود و محدودیتهای این و آن گوشه تبعیض جنسی را مورد انتقاد قرار میدهند.

اما در کشورهای اسلام زده و از جمله ایران آتش شورتر از این ها است. در مملکت ما ایران، دنیا شاهد یک آپارتاید جنسی تمام عیار است. از قرون وسطی و دوران سیاه تاریخ بشر تا کنون اینچنین زن بودن جرم نبوده و مورد تحقیر و آزار قرار نگرفته است.

اعتراض به آپارتاید جنسی و عوارض و مصیبتهایش روزمره وجود دارد. اعتراضی که گرچه سازمانیافته نیست اما مستمر و جزئی از زندگی روزمره زنان و دختران جوان جامعه ما است. زندگی دو نسل جامعه ما را کشمکش اجتماعی و انسانی رقم زده است که حاکی از افتخار و غرور انسانی و در همان حال هم سرشار از ترژادی انسانی است.

۸ مارس در تداوم این مبارزه انسانی اما روزی است که میتواند تحریکات پراکنده و تلاشهای فردی و گروهی زنان و دختران جوانی که با جسارت و یک تنه علیه یک غول ارتجاعی قد علم کرده اند را در متن یک تحریک توده ای عظیم و اجتماعی

## از صفحه ۱ ویژگی اوضاع.

باید بیدرنگ به سکون و انتظار موجود پایان دهند و نیروی خود را در راستای سرنگون کردن هر چه سریعتر جمهوری اسلامی متحد کنند. اتحاد کارگران و مردم حول پرچم آزادی و برابری، حول گلد آزادی، حول تشکلهای توده ای و مجامع عمومی خود در کلرخانه ها و محلات همین امروز ممکن است و ضرورت حیاتی دارد. این میانرترین راه برای پایان دادن به حالت سکون و انتظار و خیز برداشتن قدرتمند بسوی سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی، به هزیمت اسلام سیاسی در کل منطقه خاورمیانه خواهد انجامید و معادلات موجود را به نفع اوضاع جدیدی تغییر خواهد داد که در آن، مردم آزادیخواه قادر به دخالت بیشتر و موثرتر بر روند تحولات بسود گسترش آزادی، بسود پیشرفت صلح و گسترش مقابله با جنگ افروزی آمریکا و اسرائیل خواهند شد.

ویژگی اوضاع کنونی جدی بودن خطر گسترش جنگ کنونی در عراق که جنگ گسترده تر است که آمریکا دارد به بهانه کشمکش هسته ای با جمهوری اسلامی آن را تدارک می بیند. جهان در نقطه عطف سیاسی مهمی قرار گرفته است. بن بست استراتژی میلیتاریستی آمریکا و چشم انداز شکست محتوم آن، پرونده جدال قدرت را در سطوح جهانی و منطقه ای باز کرده است. کشمکش در جبهه ها و جبهتهای متعددی در سطح جهان و بخصوص در منطقه خاورمیانه جریان دارد. مساله اینست که مردم هم باید یک طرف این کشمکش باشند؛ مردمی که صفوف متحد و متشکل خود را مستقل از کشمکشهای چندگانه قدرتهای ارتجاعی و امپریالیستی به میدان آورند. فردا ممکن است خیلی دیر باشد. باید همین امروز اقدام کرد. سکون و انتظار بس است! سکون و انتظار کشنده است!

است. جنگ محدودی در جغرافیای عراق جریان دارد و تأکیدات بوش و سایر مقامات آمریکایی که گویا این تقابل به داخل عراق محدود میماند زره ای ارزش ندارد. جنگ با سلاح کشتار جمعی تحریم اقتصادی شروع شده است. اشغال نظامی خلیج توسط آمریکا با اعزام ناوهای جنگی بیشتر، خطر گسترش جنگ را بالاتر برده است. در کنار اینها جنگ روانی که بویژه در عصر سلطه میڈیا جزء مهم جنگ است بطور روزافزونی جریان دارد. حمله طراحی شده به مقر نیروهای آمریکا در کربلا و ربودن و کشتن پنج نظامی آمریکایی، جواب جمهوری اسلامی به تهدید بوش به کشتن عوامل جمهوری اسلامی در عراق و دستگیری مامورانش در اربیل تلقی شده است. با نظر به کل اوضاع منطقه، با توجه به ماجراجویی بی حی و مرز بوش و متحدش اسرائیل، و همچنین ماجراجویی متقابل جمهوری اسلامی، گسترش جنگ محدود کنونی به جنگ تمام عیار در هر شکل آن کاملاً ممکن است. تبدیل عاشورا در عراق و لبنان به نمایش قدرت آشکار در مقابل صف آرایی دولتهای سعودی و کویت و دیگران در کنار آمریکا یک نقطه انفجار جدید به اوضاع بحرانی منطقه اضافه کرده است. دارند ابعاد کشمکش قدرت در لباس شیعه و سنی را از محدوده عراق و لبنان به همه خاورمیانه سرایت میدهند. همه این شواهد دلالت بر انفجاری تر شدن اوضاع منطقه در سایه شکست و بحران استراتژی میلیتاریستی آمریکا دارد.

مردم ایران بجای سوال "چه خواهد شد؟" باید بدون درنگ سوال "چه باید کرد؟" را در برابر خود بگذارند و به آن جواب روشن بدهند. این سوال را ما حکمتیستها به سهم خود به روشنی طرح کرده ایم و به روشنی جواب داده ایم. مردم

اینجا توده زنان صرف نظر از گرایشات و تعلقات گوناگون سیاسی و فکری و یا نداشتن هیچ تعلقی است. گردآوری توده وسیع زنان زیر یک پرچم واحد است. پرچم و شعار مبارزه زنان و خواست و آرزوی دل توده میلیونی زن و دختر در ایران کنار زدن هیولای تبعیض جنسی و تحقق برابری زن و مرد است. این مبارزه ای روزمره است. ما شاهد کشمکشی عظیم اجتماعی و روزمره هستیم. بگیریم پراکنده و فردی و بدون تشکل و اتحاد و بدون رهبری. اما هست. یک کاسه کردن این تلاش بزرگ و گسترده اجتماعی کار فعالین حقوق برابر زن و مرد است. حقوقی که حتی توسط بورژوازی در کشورهای متمدن امضا شده و برسمیت شناخته شده و تا حدود بسیار زیادی متحقق گشته است.

طبیعتاً باید فعال و رهبر این جنبش اجتماعی به گستردگی جامعه ۴۰ میلیونی زنان شد. مبارزه علیه آپارتاید جنسی در ایران مبارزه دائمی علیه مردسالاری را در درون خود دارد. مردسالاری را خود رژیم باد میزند و تولید میکند و از قبل آن برای به تمکین کشاندن نصف انسانهای جامعه، تغذیه میکند و بهره میبرد. در حقیقت میتوان گفت که مردسالاری شریک جرم جنایات جمهوری اسلامی علیه زنان است. این اتهامی سنگین است. اما باید با صراحت اعلام کرد، کسانی که به پدیده زشت مردسالاری آلوده هستند، حتی اگر مخالف سرسخت رژیم هم باشند چه بخواهند و چه نخواهند در تداوم تبعیض جنسی به رژیم خدمت میکنند.

اعتراض و جنبش زنان در ایران تحت حاکمیت اسلام، جنبشی است صرفاً بر سر بحقوقی زن. باید زن بود تا این را درک کرد. باید زن بود تا با همه وجود این درد را لمس کرد. دردی که دامنگیر همه زنان است از زنانی که دستشان به دهانشان میرسد تا زنان کارگر و خانه دار، همه و همه در نتیجه این شرایط غیر انسانی ما با نفرت عظیمی از جانب نمی

## به حزب حکمتیست کمک مالی کنید

کمکهای مالی خود را میتوانید به شماره حساب

زیر در انگلیس واریز کنید.

Name: A. J

Bank: NatWest

Account No: 65041283

Sort Code: 601520

دست مذهب از زندگی زنان کوتاه!



## از صفحه ۱ گارد آزادی ... مصاحبه با رضا دانش

جزییوتن به صف انسانهای آزادیخواه و برابری طلب ندارند و تنها راه ممکن برای تحقق این اهداف پیوستن به حزب حکمتیست و گارد آزادی است و پس! در سال جاری شاهد پیوستن افراد بیشتری به حکمتیستها و گارد آزادی در مهاباد بوده ایم که در حال سازماندهی و آموزش آنان هستیم و در آینده ای نزدیک و به مناسبتها مختلف شاهد حضور آنان خواهیم بود. این امر نشانگر موفقیت ما در جلب توجه مردم و آذغان عمومی و شناساندن گارد آزادی به آنان است، در عملیتهای مختلف شاهد یاری مردم به رفقایمان هستیم و دلهره ی آنان را بخاطر امنیت خود از نزدیک لمس کرده ایم.

**کمونیسیت:** چشم انداز گسترش گارد آزادی را در کردستان چگونه میبینید و فراخوانتان به مردم و بخصوص جوانان چیست؟

**رضا دانش:** ما در ابتدای راهیم اما با این وجود به آینده بسیار خوشبین هستیم چون این نیرو بر خرواسته از مردم و متکی به وجود کارگران و زحمتکشان است و به هیچ قوت و نفوی خارجی وابسته نیست اما فراموش نکنیم پروژه ای با این وسعت احتیاج به صرف هزینه های سنگین مالی دارد و این کار بدون همراهی و کمک مالی آزادیخواهان و کمونیستها در سراسر دنیا امکان پذیر نیست. در پایان از تمامی مردم بخصوص زنان و مردان جوان دعوت میکنم برای تقویت صف آزادیخواهی و انسانیت، آزادی و برابری در حزب حکمتیست متشکل شده و گروههای گارد آزادی را سازمان داده و با ما تماس بگیرند.

## ۸ مارس روز ....

از انسانهای جامعه مان نسبت به رژیم اسلامی مواجهیم که قیل و هر چیز زن بودن آن را توضیح میدهد. متنفرم چون زنم و تحقیر می شوم. متنفرم چون آزار میبینم، چون درجه دو نامیده می شوم، چون لباسم را نه خودم بلکه شوخ و آخوند و مجلس اسلامی و دولت تعیین میکند، چون آزاد نیستم، چون انسان بودنم زیر سوال است. چون من را نه انسانی مستقل و شخصیتی صاحب اراده بلکه ناموس مرد تعریف میکنند و بالاخره چون زنم. معترضم چون زنم. ما همسرنوشتیم و همه باهم، چون زنیم....

همین نفرت و درد مند بودن و همدرد بودن و همسرنوشتی عمیق اجتماعی و روانی و شخصیتی کفی است و همین نقطه شروع و رجوع فعالین و پیشروان رهایی زن برای سازماندهی و متحد کردن و به حرکت در آوردن این آتشفشان عظیم اجتماعی است.

صحبت از مبارزه ای مستمر و بی امان اجتماعی است. زنان در این مملکت به آپارتاید جنسی تمکین نکرده اند. همه شاهد مقاومت، مبارزه و اعتراض روزمره زنان و دختران جوان در خیابان و مدرسه و دانشگاه و در مقابله با گروههای منکرات و حراستهای مدارس و ادارات و کارخانه و با هر چه مظاهر شرعی و ضد زن هستند. مخالفت و مقاومتی که مدام در جریان است.

دختران جوان با تلاش و پافشاری کم نظیری فاتحین غلبه بر حجاب اسلامی و عاملین کثیف حجاب اند. بسیاری از قوانین شرعی و اسلامی در عمل از طرف زنان و دختران جوان زیر پا نهاده شده اند. رابطه پسر و دختر مرزهای مذهب و شریعت را در نور دیده و رابطه آزاد و انسانی را به عمل در آورده است.

این جنبش را باید صاحب سازمان و تشکل توده ای و شعل و مطالبات معین و عملی و راهکارها و روشهای اجتماعی مبارزه و .... کرد. این کل شنی است. از تک و توک زنان همکل رژیم با هر عنوان و منصب دولتی یا غیر دولتی بگتریم، صف وسیعی از زنان و دختران روشنفکر و تحصیل کرده و میلیونهای دیگر به صرف زن بودن و تحمل حقارت، تشنه و چشم انتظار ظهور این پدیده اند... فمینیستهای جوانی که اسلامی نیستند و تنها دلشان از تبعیض جنسی و بی حرمتی به زن خون است در این صف قرار دارند. اگر در ایران جنبش زنان دارای صد شاخه و شعبه و گرایش بشود باز یک چیز غیر قابل انکار است و انهم نفرت مشترک و عظیم اجتماعی همه زنای است که این تقسیم بندیها در مقابلش تاب نمی آورند. هنر رهبر و فعال و دلسوز رهایی و برابری زن، این است که از همه ظرفیتهای موجود اجتماعی استفاده کند و به استقبالش برود، یک کاسه اش کند و یک قافله عظیم اجتماعی راه بیندازد که

شامل همه زنان از کسانی که فقط لغو سنگسار را میخواهند یا فقط حق حضانت و طلاق را میطلبند، تا کسانی که خواهان برابری کامل زن و مردان را بر میگیرند.

این جنبش عظیم را میتوان و باید دارای یک رهبری با عرضه و مدعی لغو آپارتاید جنسی کرد!

۸ مارس میتواند و باید به همبستگی و یک کاسه کردن این تحرکات بزرگ اجتماعی کمک کند. ۸ مارس با این هدف میتود چشم و گوش جهانیان را نیز به پدیده و لکه ننگ آپارتاید جنسی بر دامان بشریت متمدن امروز بار دیگر بگشاید. باید بار دیگر توجه افکار عمومی و بخصوص جنبشهای زنان در سطح بین المللی را به این پدیده زشت جلب کرد.

زمانی افکار عمومی جهانی علیه آپارتاید نژادی برانگیخته شد و به همت یک جنبش عظیم اجتماعی ضد آپارتاید این نکبت تاریخی برانداخته شد. این نه تنها یک پیروزی و سربلندی برای زنان و مردان افریقای جنوبی بلکه برای کل بشریت بود.

باید به جوامع بین المللی گفت، آپارتاید جنسی در ایران کم اهمیت تر از آپارتاید نژادی که جامعه بشری متمدن علیه اش به پا خاست، نیست. کمتر زشت و ننگ نیست!

میتوان و باید به مردم جهان گفت که رهایی زن در ایران کمک بزرگی به تضعیف اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و کم

شدن شر جمهوری اسلامی از آپارتاید جنسی و حذف علامتش، به آسایش و امنیت جامعه بشری کمک کند.

## تماس با حزب

کوروش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

خالد حاج محمدی معاون لیدر

khaledhaji@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان

husienzade\_r@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی

fateh\_sh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۷۵۱۲

عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی

darabiabe@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

نسان نودینیان دبیر کمیته خارج کشور

Nasan\_nodinian@yahoo.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

بهرام مدرسی دبیر کمیته کل کشور

bahram-modarresi@freenet.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

جمال کمانگر دبیر سازمان جوانان حکمتیست

jamalkamangar@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

دبیر خانه حزب

mail@hekmat.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۳۰۳۷۹۵۲۶

رضا کمانگر مسئول روابط عمومی حزب

r\_hekmatist@yahoo.com

تلفن: ۰۰۵۳۸۴۰۵۶۲۹۵۴۸

سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به حزب:

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

[www.jawax.com](http://www.jawax.com)

[www.marxhekmatsociety.com](http://www.marxhekmatsociety.com)

[www.iran-telegraf.com](http://www.iran-telegraf.com)

[www.oktoberr.org](http://www.oktoberr.org)

[www.hekmat.public-archive.net](http://www.hekmat.public-archive.net)

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!